

نقش موثر عوامل اقلیمی و فرهنگی در شکل گیری خانه‌های بومی گیلان

امیرحسین شیردل*^۱، امید رهایی^۲، پیمان نقی پور^۳، محمدحسین خداترس^۴

۱ پژوهشگر معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران .

amirshirdel6645930@gmail.com

۲ استادیار گروه معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

o.rahaei@sru.ac.ir

۳ دانشجوی کارشناسی ارشد معماری، گروه معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران.

peyman.naghipour@yahoo.com

۴ دانشجوی کارشناسی معماری، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران.

mkhodatars@gmail.com

* نویسنده مسئول: امیرحسین شیردل

چکیده

خانه‌های بومی مناطق شمالی کشور، در گذشته با ظاهری متفاوت، اقتباسی از طبیعت و همگام با جغرافیای آن منطقه بوده است. با توجه به مضامین و حکمت های وابسته به معماری ایرانی، این خانه‌ها نمونه‌های موفق از معماری روستایی نیز محسوب می‌شوند، چرا که پاسخگوی نیازهای زیستی مردمان آن مناطق بوده است. امروزه در استان گیلان، متأسفانه خانه‌های ساخته شده با شکل گیری متفاوتی مشاهده می‌گردند، با وجود ضرورت و تاثیر قابل توجه عوامل مختلفی از جمله مسائل اقلیمی و فرهنگی در شکل‌گیری خانه‌ها، به نظر می‌رسد که امروزه نشانه‌های معنایی معماری بومی قابل تشخیص نبوده و به فراموشی سپرده شده است در صورتی که در معماری پایدار، توجه به نیازهای زیستی و هویتی ساکنین با نگاهی بر صرفه جویی در انرژی و عدم آسیب به محیط زیست امری ضروری تلقی می‌گردد. از این رو پژوهش حاضر که از نوع کیفی می‌باشد و مطالب آن به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته، با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای و بازدیدهای میدانی، به بررسی الگوواره‌ها و عوامل تاثیرگذار و فراموش شده بر شکل‌گیری الگوی معماری بومی استان گیلان پرداخته است. نتایج گویای آن است که پرداختن به مسائل اقلیمی و فرهنگی، می‌تواند خانه‌هایی پایدار و آرامش بخشی را فراهم سازد و به نیازهای مختلف جسمانی و روحانی انسان پاسخ مثبت دهد و با حفظ طبیعت، اکوسیستم آن منطقه را تحت تاثیر قرار نمی‌دهد.

واژگان کلیدی: فرهنگ، اقلیم، معماری بومی، خانه ایرانی، معماری پایدار

مقدمه

در استان گیلان به واسطه رطوبت و گرمای هوا، شرایط اقلیمی خاصی پدید آمده و تاثیرات متعددی بر معماری این منطقه نیز گذاشته است. با بررسی حکمت ها و اصول معماری ایرانی، می توانیم درک کنیم که معماری ما در سراسر ایران زمین، از اقلیم گرم و خشک گرفته تا اقلیم معتدل و مرطوب، با نیاز های ساکنین همسو بوده است. در میان عرصه های زیست انسان، بیشترین مکانی که با زندگی انسان عجین شده است و بخش عظیمی از کاربری های شهری را به خود اختصاص داده، مسکن می باشد، مسکن محل آرامش و سکنی گزیدن آدمی است، بنابراین با رجوع به معماری زیبای ایرانی متوجه کیفیت خاص آن می شویم، چراکه این فضا، موجبات رشد جسمانی و روحانی ساکنین را فراهم می آورد. با بررسی اقلیم معتدل و مرطوب و بالاخص معماری سنتی استان گیلان، به تیپولوژی مسکن این منطقه که همگام با عوامل اقتصادی، اجتماعی، هویتی، مذهبی و اقلیمی و غیره است، پی می بریم، که متأسفانه امروزه توجه به این مهم در معماری مسکن این مناطق دیده نمی شود، به طوری که کالبد خانه های استان گیلان، با استان هایی که حتی اقلیم متفاوتی دارند، تفاوت چشمگیری ندارد که رعایت این موارد موجب ایجاد مشکلات جدی در ابعاد گوناگون، مخصوصاً مقوله انرژی می شود. چراکه معماران در خانه های معاصر از الگو های معماری پایدار و معماری همسو با نیاز های زیستی بسیار دور شده اند. در این پژوهش قصد داریم ضمن یاد آوری و بیان ویژگی های معماری ایرانی، با معرفی الگوها و اندام های مختلف خانه های این اقلیم، توجه معماران کنونی را به ارزش های از یاد برده معماری زیبای گیلان جلب نماییم.

پیشینه پژوهش:

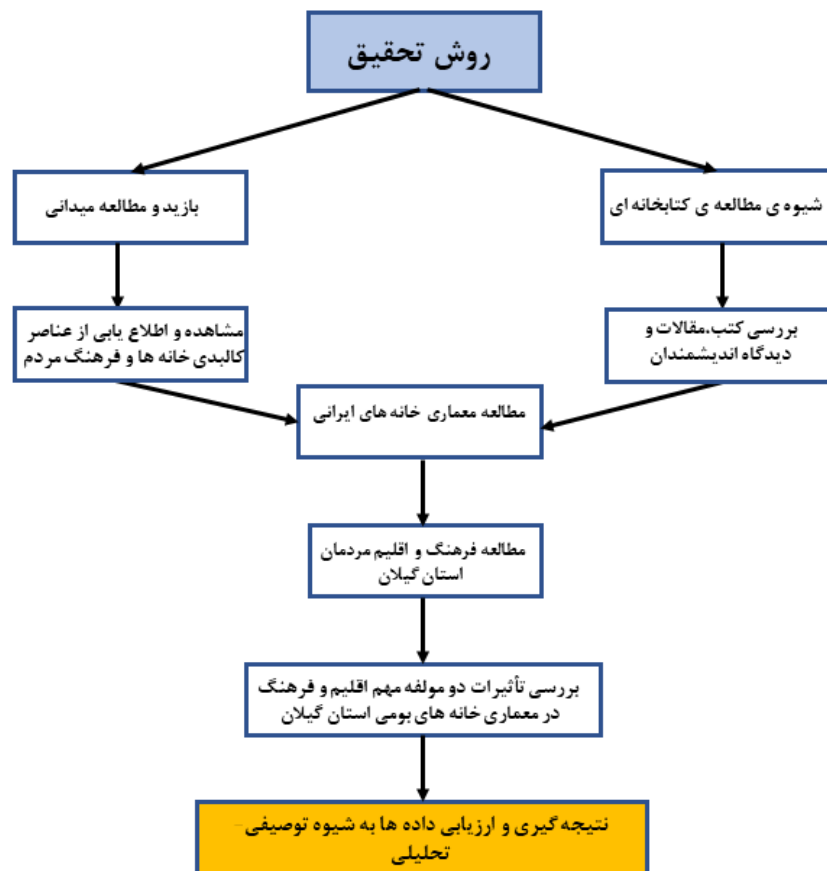
در میان عرصه های حضور، زندگی و زیستن آدمی، مسکن یکی از مهمترین عوامل در آمیخته با زندگی انسان است. مسکن، نخستین جایگاهی است که انسان، احساس تعلق در فضا را در آنجا تجربه می کند (حائری، ۱۳۸۷). حمزه نژاد و دشتی در سال ۱۳۹۵ در مقاله ای تحت عنوان بررسی خانه های سنتی ایران از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی به این نتیجه رسیدند که کاربری مسکن از دیدگاه کمی بیشترین درصد در بناهای شهری را به خود ارتباط می دهد، اما از لحاظ کیفی نوع و چگونگی طراحی معماری مسکن بر شیوه و کیفیت زندگی قشرهای مختلف مردم تاثیر بسزایی دارد و به دلیل آنکه معماری خانه در شکل گیری شخصیت انسان و حتی رفتارهای وی اهمیت ویژه ای دارد، پرداختن به آن امری ضروری در عصر حاضر محسوب می شود (حمزه نژاد و دشتی، ۱۳۹۵). مهدی نژاد و شیردل معتقد هستند که خانه اولین جایگاه رویارویی انسان با محیط پیرامون خود است، که در امر طراحی و سازماندهی آن باید مسئله ی فرهنگ، هویت و باورهای دینی را توجه کنیم چراکه معماری فضاهای منطبق بر فرهنگ مردم، در آرامش روانی آنها در فضای زیست، نقشی اساسی را ایفا می کند و همچنین طراحی فضای خانه باید پاسخگو نیازهای مادی و معنوی انسان باشد (مهدی نژاد و شیردل، ۱۴۰۱). از عوامل مهم در شکل گیری خانه های ایرانی، موضوع فرهنگ می باشد، موضوعاتی چون حریم و علاقه به زندگی اجتماعی، رعایت اصول دینی، تکریم مهمان نوازی در نوع چیدمان فضاهای خانگی که همگی نشان دهنده پایداری به فرهنگ، هویت و سنت آن جامعه است (مهدی نژاد و شیردل، ۱۴۰۲)، و از آنجایی که توجه به هنر در معماری ایرانی جایگاه والایی دارد و خود زیر مجموعه فرهنگ است، در روستاها که از جنبه جامعه شناختی، جوامعی ایستا محسوب می شوند، فرهنگ کمتر دچار فرسایش و دستخوش تغییرات گشته است (صفری اشلیکی و کاظمی، ۱۳۹۴)، از سوی دیگر نتایج تحقیقات راپاپورت نشانگر آن است که میزان کیفیت و کارآمدی فضا با سیستم فعالیت ها و ساختارهای اجتماعی ارتباط نیز دارد، زیرا سیستم فعالیت ها ویژگی محیط های مسکونی را روشن می سازد. همچنین راپاپورت معتقد است که مسکن و سکونتگاه ها، توصیفی فیزیکی از اقدامات و فعالیت های مشترک اجتماعی هستند (Rapaport, 2012).

مسکن در روستاهای استان گیلان تحت تاثیر عواملی مهمی قرار دارد، به دلیل وجود رطوبت زیاد هوا و بارش های فراوانی در این منطقه، بناها با فاصله زیادی از یکدیگر ساخته می شوند که تهویه ساختمان ها انجام شود، و اجزا محوطه در عرصه مسکونی پراکنده می گردد. همین عوامل رطوبت و میزان بارش موجب می شود که چیدمان عناصر سایت، تابع نظمی مهم و ویژه گردد (صفری اشلیکی و کاظمی، ۱۳۹۴)، مهرداد معتقد است در معماری خانه های بومی استان گیلان توجه به مبحث انرژی بسیار حائز اهمیت است، به طور مثال از انرژی باد در تهویه و ایجاد کوران نقش اساسی ایجاد می کند و توجه به اقلیم منطقه خود در

معماری خانه مشهود است (مهرداد، ۱۳۹۹)، که با ایجاد فضاهای نیمه محصور کوران بهتری ایجاد کنند (خاکپور، ۱۳۸۵)، به دلیل ملاحظات اقلیمی خانه های گیلان تودرتو نبوده و بسیاری از اتاق ها به طور مستقیم دید به حیاط دارد (صفری اشلیکی و کاظمی، ۱۳۹۴)، و کشیدگی خانه ها به صورت شرقی-غربی می باشد (میرمیران و همکاران، ۱۳۹۹).

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است که دستاوردهای حاصل از آن به شیوه توصیفی-تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته است. در ابتدا، با بهره گیری از مطالعات کتابخانه ای، اطلاعات جمع آوری شده و منابع مختلف از جمله اسناد، کتب، مقالات و دیدگاه های اندیشمندان در حوزه مورد مطالعه بررسی شده اند. همچنین، با توجه به رابطه و پیوند ناگسستنی میان اقلیم و فرهنگ، نویسندگان پژوهش با حضور میدانی در استان گیلان به بررسی این دو عامل مهم و تأثیرگذار در این منطقه پرداخته اند. نمودار زیر نقشه راه جامع این پژوهش را نشان می دهد.



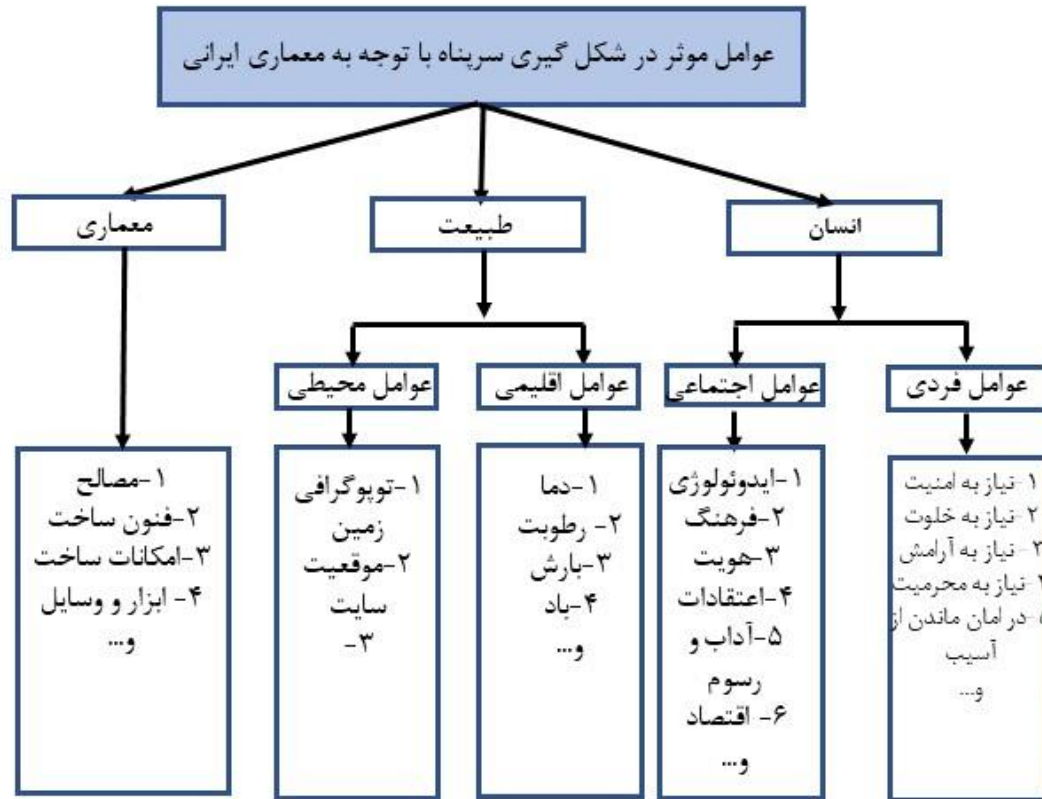
شکل ۱: معرفی روش پژوهش، منبع: نگارندگان

یافته ها

ویژگی های معماری ایرانی:

معماری از یک موجودیت و هستی تمدنی حکایت می کند که لزوماً مربوط به مرگ های گذشته نیست بلکه حکایت گر هستی امروز و هستی آینده نیز هست تمدن یک "برجستگی ملی" است که هم ماندگاری گذشته را بیان می کند و هم چگونه بودن حال و آینده را رقم میزند (عاملی، ۱۳۸۳). معماری ایرانی یکی از غنی ترین نمونه های معماری بومی با دستاوردهای فرمی و نیارشی قابل ذکر در جهان است که در گذر زمان به یکی از نمونه های موفق معماری مفهومی، معناگر، و عرفانی تبدیل شده که باعث

ایجاد معماری با کیفیت فضایی بالایی گشته است (نظیف، ۱۳۹۲). معماری دیروز ایران ارزشمند بود و سربلند، خاک را شرافت می بخشید و انسان را کرامت، و کارایی و پایایی و زیبایی را پشت سر گذاشته بود و به والایی می اندیشید، ترجمان آیات الهی بود و وحدت و عزت و معرفت و حکمت را در آجر و خشت و سنگ و کاشی تجلی می داد (اخلاص و اخلاص، ۱۳۹۳). به طور کلی می توان عنوان کرد در معماری ایرانی برای شکل گیری یک سرپناه، سه عامل انسان، طبیعت و معماری نقش موثری را داشته اند. که می توان به صورت زیر بازگو کرد.



شکل ۲: عوامل موثر در شکل گیری سرپناه با توجه به معماری ایرانی، منبع: نگارندگان

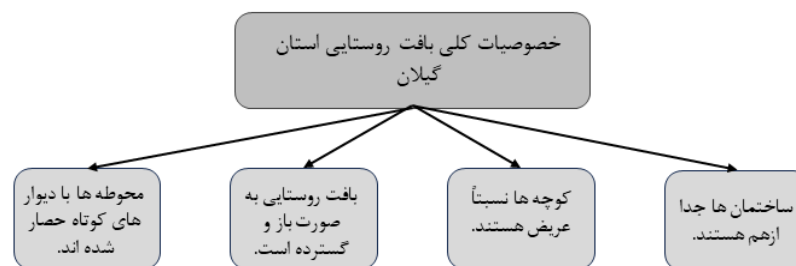
خانه ایرانی:

خانه محلی برای رشد و تعالی شخص و به نوعی کانون تربیت و آرامش خانواده محسوب می شود و پاسخ گوی نیاز های مختلف انسان از جمله نیاز های عاطفی، فرهنگی، روانی و غیره است. خانه ایرانی صرفاً یک ساختار نیست بلکه در راستای یک رشته اهداف مشخص و پیچیده بنا می شود. خانه به عنوان یک سرپناه امن و آرام بخش از ابتدایی ترین مسائلی است که انسان همواره با آن روبرو بوده و به دنبال راه حلی منطقی و مناسب برای تامین آن است. انسان در زمان ها و مکان های مختلف عوامل و مفاهیم و عناصر متفاوتی را به کار گرفته تا به این هدف دست یابد (معینی و زندی، ۱۳۹۴). خانه مکان مقدسی است که ارزش های کیهانی، جهات مقدس و ارزش های ماورالطبیعه را شامل می شود، خانه ایرانی، جلوه مستقیم ارزش های معنوی و فرهنگی و شیوه زندگی به شمار می آمده اما امروزه اغتشاش در ارزش های سنتی به احداث خانه های بیگانه با فرهنگ و گذشته منجر شده است؛ آنچه امروزه یک معمار برای طراحی خانه های معاصر کسب می کند تنها شامل اندازه های معلوم، تعداد و اشیایی معلوم برای عملکردهای معلوم است و رنگی از فرهنگ و هویت در آن دیده نمی شود (خیام باشی، ۱۳۹۶).

بنایی استوار است که مبین باورها، رفتارها، دانش ها، ارزش ها و مقاصدی است که شیوه درست زیستن هر جامعه ای را مشخص می کند. به عبارت دیگر هر آنچه ملتی دارد و بدان فکر می کند و بر اساس آن رفتار می نماید هویت فرهنگی او را تشکیل می دهد. هر قدر ملتی با ارزش ها و نگرش های مذهبی و فرهنگی خویش ارتباط داشت و آگاهی خود را در این عرصه تقویت نمود با قاطعیت و ایمان افزون تری برای حفظ موجودیت، اعتبار، عزت و سرافرازی خود می کوشد، به علاوه بازگشت به هویت راستین بطور بنیادی حیات با طراوت جامعه را به ارمغان می آورد و آن را از سکون، جمود، یکنواختی و خفقان می رهاوند و با جوشش و جهشی خیره کننده بناهای اسارت فکری و سیاسی را می گسلد و نقشی نو در می اندازد و جامعه را به سوی شکوفایی، بالندگی و توسعه ای همه جانبه سوق می دهد (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۳). اگر چه نمی توان نقش نیازهای فیزیولوژیکی انسان، منابع اقتصادی و فنون و مصالح قابل دسترس را در تولید معماری بی تاثیر دانست در عین حال نقش عوامل زیرمجموعه مانند ایدئولوژی، اعتقادات، آداب و سنت ها، روش های زندگی، نیازهای روحی و روانی اجتماعی و فردی مردم در شکل دهی به فضاهای زیستی به خصوص بعد از رفع نیاز به سرپناه بسیار پر رنگ خواهد بود (نظیف، ۱۳۹۲). بخشی از دلایل شکل گیری معماری ایرانی، الزامات جغرافیایی و اقلیمی می باشند، بخش دیگر الزامات ناشی از فنون ساخت بوده و بخش مهمی از موارد نیز خصوصیات انسانی و هنجارهای فرهنگی جامعه را در بر میگیرند قطعاً به وجود آمدن چنین معماری حاصل فکر و عمل یک فرد یا گروهی از معماران نیست بلکه ایجاد چنین نظام جامعی محصل بخشی از تمدن بشری و خرد جمعی بوده است که در فرآیندی از سعی و خطا به صورت تدریجی به دست آمده است (نخعی و همکاران، ۱۳۹۵).

اقلیم استان گیلان:

استان گیلان یکی از استان های شمال ایران که پوشیده از جنگل و دارای آب و هوای معتدل و مرطوب است، این استان شامل مناطقی سرسبز واقع در شمال غربی رشته کوه های البرز و بخش های غربی کرانه های جنوبی دریای خزر می باشد. که به وسیله ی حصار مرتفع و بلندی از بقیه ایران جدا می شود (معماربان، ۱۳۸۷). وضعیت آب و هوایی استان گیلان عبارت است از بارندگی زیاد در تمام فصول سال مخصوصاً در فصول پاییز و زمستان، همچنین اختلاف کمی بین درجه حرارت شب و روز است و رطوبت نسبتاً زیادی در تمامی فصول سال بر این پهنه حاکم است. به واسطه اینکه معماری ایران تأثیر پذیرفته از اقلیم و فرهنگ مردم نیز می باشد باید گفت که به جهت بهره گیری از جریان هوا، ساختمان ها در این مناطق جدا از هم هستند و دارای حیاط های باز و وسیع می باشند، جریان باد از بین ساختمان ها عبور کرده و هوای مرطوب و راکد را با خود به بیرون محوطه و فضای زیستی حمل می کند (قبادیان، ۱۳۷۲).



شکل ۳: خصوصیات کلی بافت روستایی استان گیلان، منبع: نگارندگان

بحث و نتیجه گیری:

مسکن بومی استان گیلان:

در منطقه جغرافیایی استان گیلان که میزان رطوبت هوا و نزولات جوی بسیار زیاد است، خانه علاوه بر آنکه باید بتواند نیازهای زیستی ساکنینش را فراهم کند، باید آسایش اقلیمی را نیز به طور نسبی به همراه داشته باشد، از این رو خانه باید به گونه ای

ساخته شود که حتی المقدور رطوبت بیش از حد تحمل آدمی را کاهش دهد تا شرایط رطوبتی و دمایی در حد آسایش انسان قرار گیرد. خانه های بومی استان گیلان باید به گونه ای طراحی شوند تا کوران هوا برقرار شود و جریان باد در سراسر خانه در حرکت باشد، این نیاز موجب شده تا خانه های مسکونی روستایی دارای لایه های مسقف شفاف و با باز شوهای زیاد در جداره های خارجی همراه باشد. برای برطرف کردن موارد مذکور، خانه های بومی استان گیلان از عناصری تشکیل شده اند که در ادامه به آنها پرداخته می شود:

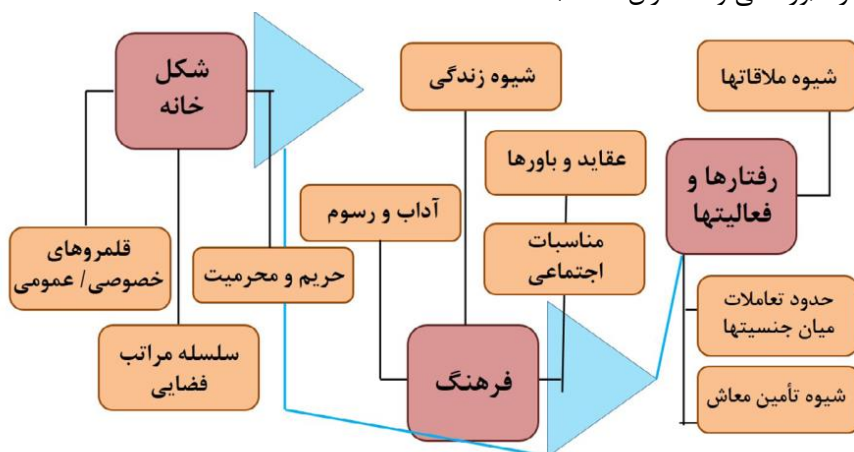
جدول ۸: عناصر تشکیل دهنده خانه بومی در گیلان منبع: نویسندگان

ردیف	نام عنصر	شرح
۱	حیاط	به عنوان عنصر باز خانه اهمیتی به اندازه سایر فضاها داشته که ارتباط بین خانه و طبیعت را فراهم می کند. حیاط خود بخشی از کالبد روستایی است که فضاهای نیمه بازی جهت انبار محصولات و فضاهایی نظیر چاه آب، طویله، آشپزخانه، مرغانی و... به صورت پراکنده در حیاط قرار می گیرند.
۲	اتاق	اتاق ها در این اقلیم دارای چند عملکرد هستند، در یک اتاق عملکردهایی چون نشیمن، خواب، پذیرایی، غذاخوری و احیاناً آشپزی صورت می گیرد.
۳	ایوان	ایوان که به عنوان یکی از فاکتورهای تشکیل دهنده الگوی ساخت در منطقه مورد نظر است با قرار گرفتن در یک یا چند جانب از محیط پیرامون فضای مرکزی نه فقط عنصری نمادین بلکه حرکتی هدفمند با در نظر گرفتن اقلیم منطقه بوده است. در طراحی ایوان تناسباتی وجود دارد که علاوه بر جنبه های زیبایی شناسانه آنها ایجاد تهویه و سایه اندازی و نیز جلوگیری از نفوذ باد و باران فضایی مطلوب منطبق با نیازهای زیست اقلیمی اسکان را فراهم می کند.
۴	غلام گرد	یکی از مهمترین ارکان مهم در معماری روستایی گیلان غلام گردش ها هستند، در خانه های بومی گیلان غلام گرد مانند ایوانی سرتاسر ساختمان را فرا می گیرد، و بام را تا جلوی غلام گرد می سازند به این صورت بام مانند چتری گسترده روی خانه را می پوشاند.
۵	تلار	به ایوان طبقه دوم یا سوم تلار نیز می گویند، تلار را به اندازه چند پله از ایوان بالاتر می سازند و معمولاً در زیر آن فضای انبار یا طویله می سازند، و یا در برخی موارد زیر آن خالی است.
۶	بام شیبدار	کریستین برومبِرژه نیز در مطالعات خود، سه دسته بام شیبدار را در معماری بومی گیلان معرفی می کند، سه نوع بام که شیب آن بر اساس کیفیت مصالحش کمابیش تند است. بام دو شیبه که از نظر فنی جزو ساده ترین نوع بام محسوب می شود، بام چهارشیبه که دو شیب آن مثلثی شکل است و انواع مختلفی دارد و سرانجام بام هرمی شکل که دارای چهار شیب مساوی است. برای جلوگیری از نفوذ آب باران به داخل بنا توسط باد معمولاً سقف شیبدار تا نزدیک به کف زمین در یک یا دو جناح ساختمان که رو به باد قرار دارد، ادامه می باید.
۷	فاکن	این عنصر از یک یا دو جبهه ساختمان رو به باد می باشد، و معمولاً پنجره ای از این قسمت به بیرون باز نمی شود، (دیبیا ۱۳۷۲)
۸	پله	یکی از مهمترین عناصر معماری خانه های برونگرا گیلان پله است، پله های این منطقه برخلاف بناهای منطقه کویری ایران، در درون جرزها مخفی نمی شود، و از دیدگاه اقلیمی پله ها در جبهه ای از ساختمان اجرا می شوند که از کج باران و تابش مستقیم آفتاب به دور باشند.
۹	بالاخانه	به اتاقی که تلار جلوی آن قرار گرفته است بالا خانه نیز می گوئیم در این اقلیم تهویه و جریان هوا تاثیر بسزایی دارد و در تهویه، جریان هوا، دید و منظر موثر است.
۱۰	کندوج	کندوج جزو فضاهای نیمه باز محسوب می شود. این فضا سقفی بلند به شکل کله قند را دارا است. ابعاد آن کمی

		بیشتر از کوتام می باشد و از این فضا برای انبار کردن غله و برنج استفاده می شود.
۱۱	تلمبار	تلمبار جزو فضاهای نیمه باز محسوب می شود. فضایی است که جهت انبار محصولات کشاورزی کاربرد دارد. به همین دلیل دیوارهای آن معمولاً با استفاده از نی و گل بسته می شود و سقف آن دو شیبه و با پوشش نی ساخته می شود، این فضا از دیدگاه اقلیمی به عنوان حایل جهت کنترل تبادل حرارتی در فصول سرد و گرم سال در ساختمان محسوب می شود.
۱۲	کوتام	کوتام جزو فضاهای نیمه باز محسوب می شود که از چهار طرف نیز باز می باشد، و با جان پناهی چوبی احاطه می شود و سقف آن هرمی شکل می باشد.
۱۳	کرسی چینی	برای جلوگیری از ورود و نفوذ رطوبت به کف بنا، ساختمان از کف زمین ارتفاع دارد، این عمل موجب می شود جریان هوا مابین کف و سطح زمین برقرار گردد.

تأثیرات فرهنگ در شکل گیری مسکن:

یکی از عوامل مهم در شکل گیری خانه های بومی هر منطقه، فرهنگ حاکم بر آن منطقه است. راپاپورت معتقد است: از آنجا که ساختن یک خانه، پدیده فرهنگی است، فرم کالبدی و سازمان فضایی آن شدیداً از محیط فرهنگی که خانه به آن تعلق دارد، تأثیر می پذیرد (Rapaport, 2009). راپاپورت در مطالعات خود، بسیاری از خرده اقلیم های مجاور و مشابه را انتخاب و تأثیر مؤلفه های فرهنگ بر شکل خانه را مورد بررسی قرار داده است. به باور او، خانه بیش از آن که ساختاری کالبدی باشد، نهادی با عملکرد چند بعدی است و از آنجا که ساخت خانه، یک فعالیت فرهنگی است، شکل و سازمان آن نیز متأثر از فرهنگی است که خانه محصول آن است (Rapaport, 1969). وی فرهنگ را قابل تقسیم به مؤلفه های خردتری می داند. او درباره مناسبات اجتماعی می نویسد: «در جوامعی که محل دیدار و برخورد انسان ها خانه می باشد، ساختار خانه باید به این نیاز پاسخ دهد، در صورتی که در جوامع دیگر بخشی از مجموعه مانند کوچه یا میدان مکان ملاقات را به وجود می آورند در این صورت خانه ساختار دیگری خواهد داشت (Rapaport, 2009). از منظر راپاپورت، شیوه زندگی یا سکونت، مجموعه ارزش ها و معانی است که چیستی و چگونگی مفهوم خانه در یک گروه یا قوم و ملت را تعیین می کند و در واقع زیرمجموعه های از کلیت فرهنگ جامعه است. آداب و رسوم نیز به عنوان یکی از لایه های فرهنگ، ایده هایی را دربر دارد که شناخت ریشه های اندیشه و تفکر جوامع و چگونگی موقعیت های فرهنگی را معلوم می دارند (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۷).



شکل ۴: مؤلفه های فرهنگ و تاثیر آن بر شکل خانه از دیدگاه راپاپورت، منبع: (ورمقانی و همکاران، ۱۳۹۵)

تأثیرات فرهنگی بر معماری خانه ها:

مردم گیلان به دلیل شرایط خاص جغرافیایی به صورت عمده به کشت برنج اشتغال دارند. مهم ترین مراحل کاشت برنج بر دوش زنان گیلانی است. کار زیاد زنان در شالیزار و نیز کار کردن آنها در خارج خانه، منجر به تظاهرات فرهنگی متمایزی شده است. این ملاحظات محصوریت کامل مسکن را بدان گونه که در ایران مرکزی مشاهده می شود، منتفی نموده و محرمیت بنا را به حداقل می رساند (خاکپور، ۱۳۸۶). بنابراین فرهنگ گیلانیان در عدم تفاوت میان مرد و زن در معماری نیز نمود پیدا کرده و خانه های سنتی در گیلان به شکل برونگرا ساخته می شوند. حتی حوزه تفکیک خانه ها از یکدیگر نیز محصور نبوده و ورودی خانه ها و تشخیص حوزه های مختلف در محوطه خانه ها و گسترش حریم خانه ها با اضافه کردن فضای سبز به کنار جاده است (لیوانی و رضانی، ۱۳۹۳). در مناطق کوهستانی اما بیشتر با استفاده از پرچین برای جلوگیری از ورود چهارپایان می باشد. اما عدم محصوریت بلند در حریم خانه ها در این ناحیه را تنها نمی توان به نقش فرهنگ در معماری گیلان معطوف کرد بلکه می توان گفت که "دلیل این امر همان استفاده از جریان هواست، تا از میان ساختمان ها عبور کرده و هوای مرطوب و راکد را با خود به بیرون محوطه و فضاهای زیستی ببرد. بهره بردن از طبیعت زیبا و سرسبز منطقه نیز از دلایل دیگر جهت تلفیق محیط مسکونی با طبیعت است (مهرداد، ۱۳۹۹).

نتیجه گیری:

با توجه به بررسی های صورت گرفته، می توان عنوان کرد در بین عوامل موثر بر شکل گیری خانه های ایرانی، دو عامل اقلیم و فرهنگ تأثیرات بسزایی را نیز دارا هستند. مسکن در روستاهای گیلان تحت تأثیر عواملی چند قرار دارد از جمله، وجود رطوبت زیاد هوا و بارش های فراوان منطقه که موجب شده است جهت تهویه طبیعی خانه، بناها فاصله زیادی از یکدیگر داشته باشند. همچنین اجزاء خانه در پاسخگویی به نیازهای مذهبی و باورهای مردم در پاره ای موارد بصورتی ویژه با عنوان معماری برون گرا جلوه گری می کند. تکیه بر مصالح منطقه ای و امکانات ساخت و ساز در گیلان عامل دیگری است که خود منشعب از ویژگی های جغرافیایی گیلان بوده و از سویی ظاهری متفاوت به مسکن در این خطه نشان می دهد. در نقاط مختلف گیلان این عوامل موجب شده است که شاهد تیپولوژی های گوناگونی در معماری خانه ها باشیم که در کنار تفاوت های ایجاد شده، شباهت های زیادی بین این خانه ها است، که پیشنهاد می شود پژوهشگران محترم در تحقیقات خود به این موضوعات توجه کنند. در جدول زیر به اصول کلی معماری خانه های سنتی گیلان اشاره شده است که در موارد زیر خلاصه شده است:

جدول ۹: اصول کلی معماری خانه های سنتی گیلان، منبع: نگارندگان

ردیف	اصول
۱	بهره گیری از سقف شیبدار
۳	کرسی چینی بلند برای جلوگیری از نفوذ رطوبت کف
۴	عدم ایجاد محصوریت حیاط به دلیل ایجاد دید مناسب و تهویه طبیعی
۵	استفاده از مصالح طبیعی و بومی همچون چوب، گل و سنگ
۶	معماری برونگرا با توجه به نوع اقلیم و فرهنگ گیلان
۷	کشیدگی خانه ها شرقی-غربی است تا از جریان باد در تابستان و نور مناسب در زمستان بهره گیری شود.
۸	بهره گیری از جریان باد برای تهویه به کمک ایوان، تار، غلام گرد
۹	سقف شیبدار بلند و تا نزدیک زمین در جبهه غرب برای جلوگیری از کج باران و نفوذ باد در زمستان به ایوان و تار
۱۰	توجه به تهویه مطبوع و بهره گیری از نور طبیعی

مراجع

- حائری، محمدرضا (۱۳۸۷). خانه، فرهنگ، طبیعت. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقاتی شهرسازی و معماری.
- حمزه نژاد، مهدی و دشتی، مینا (۱۳۹۵). بررسی خانه‌های سنتی ایرانی از منظر پدیدارشناسان و سنت گرایان معنوی. فصلنامه علمی پژوهشی نقش جهان، شماره ۲-۶
- مهدی نژاد، جمال الدین و شیردل، امیرحسین (۱۴۰۱). بازشناسی عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری خانه‌های ایرانی مبتنی بر فرهنگ و هویت اسلامی، دومین همایش بین‌المللی و هفتمین همایش ملی معماری و شهر پایدار، تهران، ایران.
- مهدی نژاد، جمال الدین و شیردل، امیرحسین (۱۴۰۲). عناصر هویت بخش معماری خانه ایرانی، انتشارات اول و آخر.
- صفری اشلیکی، سارا و کاظمی، علی (۱۳۹۴). بازشناسی عناصر تزئینی معماری خانه‌های روستایی گیلان، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و زیرساخت‌های شهری. ایران.
- مهرداد، جواد (۱۳۹۹). نقش اقلیم، فرهنگ و طبیعت در معماری خانه‌های سنتی استان گیلان، نشریه معماری شناسی، سال سوم، شماره ۱۵، صص ۱-۸
- خاکپور، مژگان (۱۳۸۵). ساخت خانه‌های شیکیلی در گیلان، نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۵، صص ۴۵-۵۴
- میرمیران، مهدیه، ملک افضل، علی اصغر، کریمی فرد، لیلیا (۱۳۹۹). الگویابی میانوار در خانه‌های تاریخی گیلان. نشریه مسکن و محیط روستا، شماره ۱۷۱، صص ۱۱۷-۱۲۸
- عاملی، سعید رضا (۱۳۸۳). هویت‌های فرهنگی قدیم و جدید رمزگشایی تمدنی و معماری سنتی- مدرن و ملی - فراملی. لهستان.
- نظیف، ح (۱۳۹۲). پایداری اندام‌های معماری ایرانی در گذار از دوران اسلامی، مجله باغ نظر، شماره ۲۴
- اخلاص، م، اخلاص، م (۱۳۹۳). تاملی در نحوه تجلی اندیشه اسلامی در معماری ایرانی با تأکید بر معماری خانه‌های سنتی ایرانی، همایش ملی معماری، عمران و توسعه نوین شهری، کانون ملی معماری ایران، تبریز، اردیبهشت
- معینی، م، زندی، م (۱۳۹۴). بررسی خلوت در معماری ایرانی و تاثیر نادیده گرفتن آن در معماری معاصر، همایش ملی فرهنگ، گردشگری و هویت شهری
- خیام باشی، ع (۱۳۹۶). نقش عناصر هویت بخش معماری ایرانی در طراحی داخلی خانه‌های سنتی، پنجمین کنفرانس علمی پژوهشیفاق‌های نوین در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی ایران، تهران
- گودرزی سروش، م، چهاردولی، م، میرزایی، م (۱۳۹۳). بازشناسی عناصر هویت بخش به معماری ایرانی اسلامی، دومین همایش ملی معماری، مرمت، شهرسازی و محیط زیست پایدار، همدان
- نخعی پور تدرج، هدی سادات، صفوی، سیدعلی، و لیتکوهی، ساناز (۱۳۹۵). ارزیابی ویژگی‌های معماری خانه‌های سنتی ایرانی. کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
- معاریان، غلامحسین (۱۳۸۷). آشنایی با معماری مسکونی ایرانی گونه‌شناسی برون‌گرا، تهران، موسسه فرهنگی سروش دانش.
- قبادیان، وحید (۱۳۷۲). بررسی اقلیمی ابنیه سنتی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- ورمقانی، حسنا، سلطان زاده، حسین و طاهایی، عطااله (۱۳۹۷). بررسی تطبیقی تاثیر فرهنگ بر ورودی خانه‌های قاجاری گیلان و ملازندان، نشریه معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۵، صص: ۲۳۷-۲۴۹
- خاکپور، مژگان (۱۳۸۶). معماری خانه‌های گیلان، رشت: فرهنگ ایلیا.
- لیوانی، معصومه و رضانی، مریم (۱۳۹۳). پژوهش‌های منظر شهر، سال اول، شماره ۲، پاییز و زمستان
- Rapoport, A. (2009). Pour une Anthropologie de la Maison. (K. Afzalian, Trans.). Tehran: Herfe Honarmad

- Rapoport, A. (1969). House Form and Culture. United State of America, University of Wisconsin Milwaukee.
- Rapaport(2012). Meaning of built environment: a non-verbal communication approach; Translation;Farah Habib; Tehran. Tehran Municipality's Technology and Communications Organization Publications)in Persian